

# تدریسات دینی

## درمدارس متوسطه

زنده یاد دکتر محمد خوانساری

### اشاره

این مقاله، مختصر شده‌ی متن سخنانی است که شادروان دکتر محمد خوانساری در سال ۱۳۳۹- درست ۵۰ سال پیش- در مجمعی از فضلا و مسئولان آموزش و پرورش یا «وزارت فرهنگ» آن زمان ایراد کرده است. مرور آن می‌تواند ما را با نگاهی که آن زمان به امر آموزش دین در مدارس وجود داشته است، آشنا سازد. این نوشته در مجله‌ی آموزش و پرورش شماره‌ی اسفندماه ۱۳۳۹ چاپ شده است.

\*\*\*

آدمی را جنبه‌های مختلف و حالات و اطوار و تمایلات گوناگون است و می‌توان گفت، بازگشت تمام این جنبه‌ها به سه جنبه است: ادراکی، انفعالی و عملی.

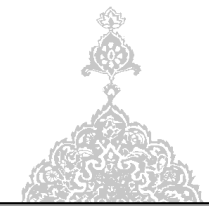
به‌وسیله‌ی جنبه‌ی ادراکی، نفس آدمی پرده از روی مجهولات برمی‌گیرد و به کشف حقایق دست می‌یابد و علم و فلسفه را به‌وجود می‌آورد. اما از لحاظ جنبه‌ی انفعالی، چون آدمی خواهان حقیقت و خیر و زیبایی است و به این سه چیز عشق می‌ورزد و گرایش نسبت به آن‌ها دارد و حقایق و خیرها و جمال‌های

نسبی و محدود، او را سیراب و قانع نمی‌کند، ناچار متوجه ذات حق می‌شود که حقیقت مطلق و جمال مطلق و خیر مطلق، یعنی مستجمع تمام صفات کمالیه است و صفاتش نامحدود و نامتناهی است. پس با آن ذات انس می‌گیرد و او را پرستش و ستایش می‌کند و خود را دارای معشوق و محبوبی که منبع همه‌ی کمالات است، می‌داند.

از لحاظ جنبه‌ی عملی نیز آدمی باید به یک سلسله مبنایی و اصول و قواعدی در عمل مقید و متکی باشد و احساس مسئولیت کند و خود را رها و عنان گسیخته و آزاد مطلق

نداند و استوارترین پایه و اساس برای عمل و اخلاق باز همان دین است. چه، به‌قول دکارت «سیستم‌های اخلاقی که بر خداپرستی مبتنی نباشد، هم‌چون قصری است که بر فراز گل‌ولای بنا شده باشد».

پس انسان، هم از لحاظ عقل نظری و هم از لحاظ انفعالی و عاطفی (یعنی هم از ناحیه‌ی عقل و هم از ناحیه‌ی دل) و هم



محمدتقی شریعتی

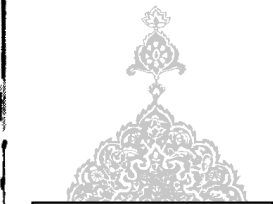
(۱۳۶۶-۱۲۸۶)

مربی جوانان، فعال مذهبی،

نویسنده

در مزیان سبزواری متولد شد. تحصیلات مقدماتی حوزوی را نزد پدر و عموی خود شروع کرد و سپس در مشهد ادامه داد. معلم شد و در دبیرستان‌های مشهد به تدریس پرداخت.

در دانشگاه مشهد نیز به تفسیر قرآن و نهج‌البلاغه همت گماشت و هم‌زمان «کانون نشر حقایق اسلامی» را برای مقابله با تبلیغات مارکسیستی و کمونیستی توده‌ای‌ها در مشهد تأسیس کرد که البته چندین بار هم در این راه زندانی شد. استاد شریعتی با رویکرد نوگرایانه به دین، فعالیت خود را آغاز کرد و تأثیرات زیادی به‌جا گذاشت. وحی و نبوت، تفسیر نوین، خلافت و ولایت از آثار اوست. دکتر علی شریعتی، فرزند او بود.



**علی اکبر  
شعاری نژاد**

(۱۳۰۴)

استاد تعلیم و تربیت، مؤلف

در تبریز به دنیا آمد. در سال ۱۳۳۴ فارغ‌التحصیل رشته فلسفه و علوم تربیتی از دانشسرای مقدماتی شد و تحصیلات تکمیلی را در دانشگاه تهران سپری کرد. نخست در تبریز تدریس می‌کرد و بعداً به تهران انتقال یافت.

تاکنون چندین کتاب با موضوعات روان‌شناسی رشد، روان‌شناسی یادگیری، اصول ادبیات کودکان و فلسفه‌ی آموزش و پرورش به چاپ رسانده است.

از حیث زندگی عملی، به اعتقاد و ایمان به حق احتیاج دارد. به‌همین جهت، بعضی آدمی را به «حیوان دین‌دار» تعریف کرده‌اند؛ یعنی حیوانی که متوجه مبادی غیبی و ملکوتی و دارای تمایلات عالی است؛ به‌خلاف سایر حیوانات که تنها به امور محسوس و مادی توجه دارند و فقط در پی ارضای شهوات پست بهیمی و حیوانی هستند.

### او نداند جز که اصطبل و علف از شقاوت غافل است و از شرف

خلاصه، هم‌چنان‌که انسان را به «حیوان ناطق» یا «حیوان ضاحک» یا «حیوان مدنی‌الطبع» تعریف کرده‌اند، او را به «حیوان مذهبی و دین‌دار» نیز وصف نموده‌اند.

\*\*\*

اهمیت ایمان در زندگی آدمی و نقش آن در تحولات اجتماعی و تاریخی و تهذیب و تزکیه‌ی نفس، بر آقایان محترم که اهل فضل و دانش و مطالعه هستند، پوشیده نیست و البته به‌خوبی متوجه و متذکر هستید که ایمان چگونه در آدمی روح نشاط و امید و توکل و خوش‌بینی و خدمت به خلق و خیرخواهی و محبت ایجاد می‌کند.

مخصوصاً آرامش دل و سکون‌خاطر که عین سعادت است، از راه ایمان حاصل می‌شود. ترس و نگرانی و اضطراب و تشویش و به اصطلاح «دلهره» و «دلواپسی»، همه زهرهای جان‌گزایی هستند که سلامت روح و سعادت آدمی را مختل می‌سازند و تریاق این سموم، تنها ایمان و اعتماد به حق است که الا بذکر الله تطمئن القلوب.

### گر گریزی بر امید راحتی زان طرف هم پشت آید آفتی هیچ گنجی بی‌دد و بی‌دام نیست جز به خلوتگاه حق آرام نیست

دل آدمی غالباً به‌سبب بیم و هراس از آینده، و احتمال از دست دادن زخارف دنیوی، لرزان و آشفته و ناراحت است.

**دور کیم، جامعه‌شناس معروف فرانسوی، در تألیف مشهور خود «خودکشی»، با روش آماری، تحقیق دقیقی درباره‌ی انتحار کرده و با مقایسه‌ی آن با سایر شئون اجتماعی، به نتایجی رسیده است و از جمله‌ی آن نتایج این است که در جامعه‌هایی که مبادی دینی استوار است و مردم روحیه‌ی دینی دارند، تعداد انتحار به‌مراتب کمتر از جامعه‌هایی است که افراد آن چندان پای‌بند مذهب نیستند و تعلیل این امر همان است که گفته شد.**

دین علاوه بر این‌که از ترس و نگرانی و اضطراب مانع می‌شود، امید و شادی و وجد و ضعف می‌آورد؛ خاصه وقتی اعتقاد به حق فقط اعتقاد فلسفی و کلامی نباشد، بلکه با عشق و عرفان و ذوق و جذب توأم شود. یعنی پرستش حق از سر بیم و امید نباشد، بلکه صرفاً از راه عبودیت و اخلاص و عشق و محبت باشد.

گذشته از این، دین در تهذیب اخلاق و تکمیل انسانیت و غلبه بر ذرائع و متجلی شدن به فضایل، مؤثرترین عامل است و آثار شگرف آن را در تربیت آدمی، در هیچ یک از مکاتب و سیستم‌های اخلاقی نمی‌توان دید. مثلاً چون اخلاق جامعه‌ی عرب را پیش از ظهور اسلام و پس از ظهور آن با هم بسنجیم،

حیرت و شگفتی عمیقی ما را دست می‌دهد. می‌دانیم که در جاهلیت حمیت و عصیت و تبعیض‌های قبیله‌ای و طبقاتی و قتل و غارت و کینه‌توزی و کبر و غرور تا چه حد بود و چه اعمال قبیحی، از مفاخر شمرده می‌شد. و آن‌گاه می‌بینیم، در طی چند سال، این مردم پراکنده‌ی متشتت و خودخواه، برادر و برابر و متحد می‌شوند و اختلافات و دشمنی‌ها را به‌کنار می‌گذارند.

این نعمت عظمی، یعنی یک‌دلی و یک‌زبانی و صفا و اخوت و راستی، امری خارق‌العاده است و به‌اندازه‌ی اهمیت دارد که خداوند آن را در قرآن کریم به مسلمین گوشزد می‌فرماید و می‌گوید: «واذکروا نعمه‌الله علیکم اذ کنتم اعداءً فالف بین قلوبکم فاصبحتم بنعمته اخواناً».

این است که مولوی فرمود:

اتحادی خالی از شرک و دویی  
باشد از توحید، نی ما و تویی  
آفرین بر عشق کل اوستاد  
صد هزاران ذره را داد اتحاد  
هم‌چو خاک مفترق در رهگذر  
یک سبوشان کرد دست کوزه‌گر  
دو قبیله کاوس و خزرچ نام داشت  
یک ز دیگر جان خون‌آشام داشت  
کینه‌های کهنه‌شان از مصطفی  
محو شد در نور اسلام و صفا

به یمن تربیت اسلام، مسلمین از مرحله‌ی آزادی و برابری و برادری نیز گذشتند و به درجه‌ی محبت و احسان و بلکه ایثار و فداکاری که عالی‌ترین درجات کمال اخلاقی است، نایل آمدند. این مردمی که در جاهلیت، گفته‌ی توماس هابس، متفکر انگلیسی (۱۶۷۹-۱۵۸۸م) (انسان گرگ انسان است)، در حقشان صادق بود، پس از گرویدن به اسلام در محبت و صفا و گذشت چنان شدند که گفته‌ی اسپینوزا (۱۶۷۷-۱۶۳۲م) (انسان نسبت به انسان خداست) در حق آنان صادق آمد.

یکی از مسلمین گوید: خویشی از آن من در یکی از جنگ‌های اسلامی زخمی سخت برداشته و در میدان جنگ در بین کشتگان و مجروحان افتاده بود. من جامی آب برداشتم و بر سر او شتافتم. وی با این‌که بسیار تشنه بود، گفت این جام آب را نزد برادر دینی من که در آن سوی افتاده و از من تشنه‌تر است ببر. من جام آب را نزد او بردم، او نیز به مجروحی دیگر اشارت کرد و چون بر سر او آمدم، جان داده بود. پس بر سر مجروح دوم بازگشتم، او نیز شهید شده بود. با شتاب خود را به‌سر خویش خود رساندم و دیدم او نیز به یاران ملحق شده است.

این‌هاست نمونه‌های تربیت‌شدگان اسلام. یک تن مؤمن واقعی و عارف حقیقی، به همه‌ی بندگان حق به‌دیدهای احترام و قسمت می‌نگرد. کم‌کم این شعاع محبت از آدمیان هم فراتر می‌رود و حیوانات و نباتات و کلیه‌ی موجودات را که همه مظاهر حق و آینه‌ی جمال مطلق هستند، فرامی‌گیرد.

به جهان خرم از آنم که جهان خرم ازوست  
عاشقم بر همه عالم که همه عالم ازوست

\*\*\*

هم چنان که تعلیم و تربیت باید متوجه بهداشت و سلامت مزاج و استقامت فکر و پرورش ذوق و قریحه و حس هنری و فعالیت های بدنی و همکاری های اجتماعی دانش آموزان باشد، یعنی باید به همه جنبه های وجود آنان توجه کند، باید به تربیت و تقویت و تلطیف حس دینی و خداپرستی و تمایلات اخلاقی نیز اهتمام تام داشته باشد و کاری کند که محصل، به اصول اخلاقی و دینی، با احترام و محبت بنگرد و ایمان راسخ و استوار حاصل کند و خود را از هر قید و بند و تکلیفی آزاد و رها نداند، بلکه احساس مسئولیت کند و به پیشوایان دین تاسی و تشبه جوید.

گذشته از تلطیف و ارضای حس حقیقت جویی و خداپرستی و تربیت مذهبی، تعلیمات دینی از لحاظ کسب معلومات عمومی نیز حائز اهمیت است. یعنی هم چنان که محصل باید از امور طبیعی و تاریخی و جغرافیایی و قوانین مدنی اطلاعی اجمالی و کلی داشته باشد، باید از اصول و فروع و احکام دین رسمی کشور خود نیز مطلع باشد. و این احتیاج برای ما مسلمانان، شاید بیش از ملل دیگر باشد. زیرا دین اسلام در شئون فردی و اجتماعی و ادبی ما نفوذ و تأثیر کرده است و قسمت اعظم قانون مدنی ما مؤسس و مبتنی بر فقه اسلامی است.

به همین نظر، تعلیمات دینی در مدارس ابتدایی و متوسطه منظور شده است و برای دانش آموزان مسلمان، شرکت در آن درس و گذراندن امتحانش اجباری است.

\*\*\*

چیزی که بنده می خواهم عرض کنم و مخصوصاً روی آن تکیه کنم، این است که: برنامه ی تعلیمات دینی باید شامل چه موضعی باشد و کتاب های تعلیمات دینی به چه سبکی نوشته شود.

به نظر این بنده، رعایت نکات ذیل برای تنظیم برنامه ی تعلیمات دینی و تألیف کتب آن ضروری است:

**اولاً:** مواد برنامه و مطالب کتاب ها به نحوی باشد که روح وحدت و یگانگی و مساوات و برابری و بشردوستی را در محصلین برانگیزد و مبتنی بر بردباری و تسامح باشد و تعصب آلود نباشد و ایجاد تفرقه و تشتت نکند. باید دانش آموزان را متذکر ساخت که انبیای خدا همه شاگردان یک مکتب بوده اند و از یک منبع الهام و وحی گرفته اند و هر یک به اقتضای زمان، خلق را به خداپرستی و تقوا و عدالت و راستی و امانت و صفا و دوستی و امثال آن خوانده اند. خلاصه، دانش آموز باید برسد به مرحله ی «لانفرق بین احد من رسله» و دریابد، همان نور مقدسی که در کوه طور بر موسی بن عمران تجلی کرد، همان نور بر دل مسیح تافت، و بالاخره همان نور و همان حقیقت در غار حرا بر محمد(ص)، خاتم پیغمبران، جلوه گر شد و گفت: «اقرا باسم ربک الذی خلق. خلق الانسان من علق. اقرا و ربک الاکرم. اذ الذی علم بالقلم. علم الانسان ما لم یعلم».

اینان جملگی معلمان و مربیان بشر و اطلبای روحانی هستند که برای تهذیب و ارشاد خلق مبعوث شده اند و تجلیل و احترام آنان و پیروی از ایشان ما را فرض است.

پس قسمت عمده ی برنامه ی تعلیمات دینی باید شامل مطالبی باشد که معتقد تمام ادیان و مذاهب است. مانند عقیده به خدای یکتا و صفات ثبوتیه و صفات سلویه و نبوت عامه و عقیده به بقای روح و مکافات پس از مرگ، و اصول اخلاقی مانند پرهیز از دروغ و سخن چینی و تهمت و تملق و ریا و تقلب و کم فروشی و احتکار و خیانت، و اهتمام به صدق و امانت و محبت و ادب و نظافت و خدمت به خلق و امثال آن. که برای هر یک از آنها از کتب آسمانی و اخبار و احادیث، دستورهایی بسیار مؤثر استخراج توان کرد.

**ثانیاً:** در اثبات صانع و حقانیت اسلام و امثال آن، کمتر باید به براهین خشک منطقی و کلامی و آوردن صغری و کبری توسل جست. البته اصول عقاید باید از روی استدلال و تحقیق باشد، نه تعبد و تقلید. ولی لحن آن مطالب، خاصه برای نوآموزان، باید لحن خطابه باشد. یعنی مواد عقلانی و برهانی در قالب الفاظ خطایی درآید و جنبه ی خطابی به خود بگیرد تا احساسات و عواطف را برانگیزد که دین و ایمان هم بیشتر با این جنبه ی وجود آدمی سروکار دارد. مثلاً برای اثبات صانع، آیا دلایل فلسفی بیشتر مؤثر است، یا این اشعار:

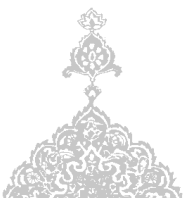
**خبرداری که سیاحان افلاک  
چرا گردند گرد کعبه ی خاک  
چه می جویند از این محمل کشیدن؟  
چه می خواهند از این منزل بریدن؟  
در این محراب که معبودشان کیست؟  
وزین آمد شدن مقصودشان چیست؟  
چرا آن ثابت است این منقلب نام؟  
که گفت آن را بجنب این را بیارم؟  
مرا بر سر گردون رهبری نیست  
جز این کاین نقش دامن سرسری نیست  
بلی در طبع هر داننده ای هست  
که با گردنده گرداننده ای هست  
از آن چرخه که گرداند زن پیر  
قیاس چرخ گردنده از او گیر**

[شبنستری، ۱۳۶۲].

در ادبیات فارسی، بدون اغراق از این قبیل اشعار هزاران هزار یافته می شود و گنجاندن مقداری از آنها به تناسب سن دانش آموزان در برنامه و کتاب های دینی لازم است.

برای ایجاد ایمان راسخ به وجود خداوند، باید دانش آموزان را به اسرار و عجایبی که در طبیعت و خلقت موجودات است، متوجه ساخت و آنها را به فکر در خلقت ستارگان و زمین و گیاهها و حیوانات و انسان عادت داد و عظمت عالم وجود و خردی انسان را در برابر این دستگاه عظیم به آنان گوشزد نمود. این مطالب باید در طی ابواب و فصول مبسوط، با بیانی شیوا، مطابق حقایق مسلم علمی تدوین شود.

از باب نمونه، برای آنها می نویسیم: «گیاهان را ملاحظه کنید که چه سان از تخمی خرد و کوچک به وجود می آیند. دانه ای ریز یا تخمی کوچک در دل خاک گریبان خود چاک می زند و پیرهن بر تن می درد و جوانه ی لطیف و ضعیف آن خاک تیره را می شکافد و با نشاط و نیرویی مخصوص سر بر می کشد و شاخه ها و برگ ها و گل ها و میوه ها برمی آورد. شاخه خود به خود سمت نور مایل می شود و به آن رومی آورد



**غلامحسین شگوهی**  
(۱۳۰۵)

استاد تعلیم و تربیت

در پیرچندزاده شد. دوره ی دانش سرای مقدماتی را گذراند و در پیرچند معلم شد. بعد از دانش سرای عالی تهران در رشته ی «آموزش و پرورش ابتدایی» لیسانس گرفت و چون شاگرد اول بود، به سوئیس اعزام شد و با دکترای تعلیم و تربیت بازگشت. آن کاه در مدارس و دانش سرای عالی به تدریس پرداخت. شگوهی اولین وزیر آموزش و پرورش پس از انقلاب اسلامی بود و پس از آن هم چون قبل در دانشگاه زادگاهش و دانشگاه های تهران به تدریس ادامه داد.

کتاب های «مبانی و اصول آموزش و پرورش» و «تعلیم و تربیت و مراحل آن» از تألیفات مشهور استاد هستند. بارها از استاد شگوهی تجلیل و او را به عنوان چهره ی ماندگار تعلیم و تربیت معرفی کرده اند.

# بهداشت اخلاقی

و برانگیزنده است و عامل شگرفی است در غلبه بر رذایل. مثلاً آیا اگر کسی اخلاق نیکوماخوس را مطالعه کند، بیشتر به تهذیب اخلاق می‌گراید، یا این‌که مکالمات کنفسیوس یا آثار بودا یا زرتشت یا انجیل یا قرآن کریم را از سر ایمان و اخلاص بخواند؟

حتی گاهی خواندن تواریخ یا دواوین شعرا یا رمان‌های اخلاقی مانند تاریخ بیهقی یا بوستان سعدی یا بینوایان ویکتور هوگو، عملاً در تصفیه اخلاق مؤثرتر است تا مباحث اخلاقی که جنبه‌ی فلسفی داشته باشد. به همین جهت، دعوت انبیا که با قلب و عواطف مردم سروکار داشته‌اند، در تحولات اجتماعی و تکمیل و تلطیف اخلاق، بیش از هر دعوت و طریقه‌ای مقرون به توفیق شده است.

پس اخلاق باید به وسیله‌ی آیات قرآنی و احادیث و حکایات و تمثیلات و روایات و اشعار، با مثال‌های زنده و با عبارات مؤثر و برانگیزنده آموخته شود. شرح احوال بزرگان دین و راه و روش آنان در زندگی، خاصه سیرت نبی اکرم را که بهترین نمونه‌ی یک انسان ایده‌آل است، باید به تفصیل در کتاب‌ها گنجاند و دانش‌آموزان را به اقتدا و اقتفا به آن بزرگواران ترغیب کرد.

**رابعا:** در قسمت فقه، قسمت عمده‌ی برنامه باید شامل احکام عملی که مورد احتیاج همگان است، یعنی واجبات روزمره و عمومی مانند نماز و روزه و زکوة، و معاملات و امثال آن باشد.

**خامسا:** در انتخابات معلمین تعلیمات دینی دقت و اهتمام مخصوص مبذول شود، زیرا برای تدریس ریاضیات یا فیزیک و شیمی، مثلاً تنها دانستن آن‌ها برای معلم کافی است. اما معلم تعلیمات دینی علاوه بر دانستن و احاطه به اصول و قواعد دینی، باید خود به زیور ایمان و اخلاص متحلی باشد تا از روی حرارت و ایمان و شوق تدریس کند، نه فقط به منظور اسقاط تکلیف.

## چراغی دهد روشنایی به جمع

که سوزش در سینه باشد چو شمع

اگر خدای نخواستہ معلمی بعضی از مباحث و مسائل دینی را از روی ریشخند و طنز و استهزا تدریس کند، معلوم است که چه نتایج شوم و غیرقابل جبرانی دربردارد و چگونه در متزلزل ساختن عقاید دانش‌آموزان مؤثر واقع می‌شود.

**سادسا:** وزارت فرهنگ یک عده از نویسندگان خوش سلیقه و اهل فن را به تألیف یک دوره کتاب ساده و جالب درباره‌ی زندگانی و سیرت پیشوایان دین بگمارد تا یک سلسله کتاب‌های جالب و دنیاپسند در این زمینه تألیف شود و محصلین آن‌ها را خارج از برنامه مطالعه کنند.

تصدیق می‌فرمایید که الان کتب دینی و اخلاقی که برای استفاده‌ی محصل دبستانی یا دبیرستانی در خور و مناسب باشد، بسیار اندک و معدود است و هر وقت بخواهید کتابی به یک دانش‌آموز هدیه بدهید، به خوبی این نقیصه آشکار می‌شود. و البته این نقیصه هم باید هرچه زودتر جبران شود.

## زیرنویس

\* این اثر را دکتر حسن حبیبی به فارسی ترجمه کرده است (شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۰).

و ریشه‌ی خود را به طرف جاهای نمناک می‌کشد و مواد غذایی لازم را از زمین می‌مکد و آن مواد، به تمام اجزای نبات می‌رسد. مقطع ریشه و برگ را در زیر میکروسکوپ ملاحظه کنید و ببینید چه ریزه‌کاری‌ها و حکمت‌ها در خلقت آن به کار رفته است.

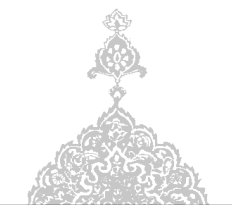
که تواند که دهد میوه‌ی الوان از چوب  
یا که داند که بر آرد گل صد برگ از خار؟  
باش تا غنچه‌ی سیراب دهن باز کند  
بامدادان چو سر نافه‌ی آهوی تبار  
خبری و خطمی و نیلوفر و بستان افروز  
نقش‌هایی که در او خیره بماند ابصار  
عقل حیران شود از خوشه‌ی زرین عنب  
فهم عاجز شود از حقه‌ی یاقوت انار

(سعدی)

بلی، این همه عجایب و بدایع را نمی‌توان ناشی از طبیعت کر و کور و بی‌شعور دانست و باید معترف شد که همه، آثار قدرت و حکمت مدبری است دانا و توانا.

**ثالثا:** نکته‌ای که در تدریس اصول عقاید گفته شد، باید در تدریس اصول اخلاق نیز که جنبه‌ی عملی دارد، کاملاً رعایت شود. یعنی بیان امور اخلاقی و ذم رذایل و تحریض به فضایل، نباید تنها جنبه‌ی فلسفی و استدلالی داشته باشد. زیرا اخلاق فلسفی و استدلالی مانند علم ریاضی است که البته ایجاد یقین می‌کند، اما الزام عملی ندارد و اثر آن در تهذیب نفس بسیار اندک است.

مثلاً وقتی شخصی اخلاق «نیکوماخوس» ارسطو را می‌خواند، یا «تهذیب الاخلاق» ابن‌مسکویه، یا «اخلاق ناصری» را که ترجمه‌گونه‌ای از همان تهذیب‌الاخلاق است ملاحظه می‌کند، یا «اخلاق عمیق و دقیق کانت آلمانی» را مورد دقت قرار می‌دهد، البته از عظمت و عمق این سیستم‌های اخلاقی دستخوش اعجاب واقع می‌شود، ولی در عین حال، در تزکیه‌ی نفس و تهذیب باطن و غلبه‌ی بر شهوات، آن اندازه‌ها مؤثر نیست. در صورتی که مواظب و دستورهای دینی و حکایات و تمثیلات و اشعار اخلاقی بسیار مؤثر و مهیج



## پرویز شریاری

(۱۳۰۵)

ریاضی‌دان، مؤلف، روزنامه‌نگار

در کرمان به دنیا آمد. در دانش‌سرای مقدماتی آن شهر تحصیل کرد و سپس در رشته‌ی ریاضی دانش‌سرای عالی تهران ادامه‌ی تحصیل داد و مدرک ریاضی گرفت. به استخدام آموزش و پرورش درآمد و معلم شد. او، از دبیران برجسته‌ی این رشته و نیز مؤلف و مترجمی تواناست. از خدمات اوست: پایه‌گذاری دبیرستان‌های خوارزمی پسران، گروه فرهنگی-مراجان برای دختران، تأسیس مدرسه‌ی عالی علوم اراک، سردبیری مجله‌ی سخن علمی و انتشار نشریه‌ی چیستا. شریاری ده‌ها کتاب ریاضی نیز ترجمه یا تألیف کرده است.